

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد مبانی معرفتی فمینیسم، با محوریت کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن و با
نگاهی بر سیره و سخنان امامین انقلاب

پژوهش دوره تربیت مدرس کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

پاییز و زمستان ۹۸

چکیده

فمینیسم به رغم عدم وجود وحدت و سیاقی واحد در اندیشه ها، عمدتاً جنبشی زاییده ی اومانیسم و لیبرالیسم به شمار می رود که پیامد های آن در بخش های گوناگون سبک زندگی من جمله ساختار خانواده و تعریف حقوق و نقش های اقتصادی بسیار مشهود بوده است. لذا در این مقاله به بررسی این چهار ساحت (جهانبینی، خانواده و حقوق و اشتغال) پرداخته ایم و سپس به تبیین نگرش اسلام ناب محمدی با بهره گیری از منشور فکری - عملی اسلام یعنی کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی و سخنان امامین انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه ای (مدظله) پرداخته ایم. ضمناً در این مقاله تلاش شده است به موضوعات فرعی و مصادیق کمتر پرداخته شود و تنها چهارچوب های فکری و معرفتی اسلام توضیح داده شود.

تعریف مفاهیم

فمینیسم

هیچ تعریف جامع و واحد و دقیقی از فمینیسم وجود ندارد زیرا به صورت کلی هیچ فمینیسم واحدی هم وجود ندارد اما به طور کلی رسالت فمینیسم پیگیری این پیش فرض است که زنان و مردان، در ادوار پیشین و مکان های مختلف، هم در خانواده و هم در اجتماع، به دلیل تفاوت های جنسی دارای قدرت نابرابر بوده اند و باید این وضعیت در راستای برابری زنان و مردان تغییر کند. تقسیم بندی های مختلفی برای فمینیسم وجود دارد که هر کدام از تعریفی مجزا برخوردار است:

تقسیم بندی غالب بر اساس رشد و تغییرات ملازم با خواسته های سیاسی است که بر این اساس به سه موج تقسیم میشود. فمینیسم از این منظر به نهضتی اجتماعی سیاسی با جوهره ای از بیانات فلسفی می ماند که شکل فلسفه اجتماعی سیاسی به خود گرفته است. موج اول به دنبال کسب حقوق سیاسی بود. موج دوم برای رسیدن به برابری اقتصادی و اجتماعی و موج سوم که جنسیت را امری اجتماعی و پویا می دانست و بر این باور بود که این پویایی به اشکال متعدد بروز می کند.

تقسیم بندی دیگر، نوعی اساسی از تقسیم بندی بر اساس مکاتبی است که در جوامعی با آن پایه تئوریک، فمینیسم در آن رشد و نمو یافته است. سه گروه اصلی بر اساس این تقسیم بندی عبارتند از: فمینیسم لیبرال، فمینیسم سوسیال یا مارکسیست و فمینیسم رادیکال. فمینیسم لیبرال برای حقوق برابر زنان با مردان در چهارچوب دولت لیبرال تلاش می کند. فمینیست رادیکال، تسلط مردان بر زنان را به عنوان یکی از نتایج سیستم پدرسالارانه که مستقل از همه ساختارهای اجتماعی است، در نظر می گیرد.

تقسیم بندی های دیگری نیز برای فمینیسم وجود دارد. مانند فمینیسم پست مدرن یا پسا ساختارگرا، فمینیسم سیاه، فمینیسم روانکاوانه و ...

عمده دلیل این تکرر و تنوع به دلیل گستره قلمرو وسیع (آمریکای شمالی و اروپای غربی) و تاریخ نسبتاً طولانی آن است که در این گستره زمانی و مکانی مکاتب فلسفی و اجتماعی و سیاسی متنوعی پا گرفته است و ضرورت ها و

مصلحت‌ها موجب شده است که فمینیسم در بسیاری از موارد با این مکاتب همراه شود و از قابلیت‌های نظری و عملی آن‌ها در جهت اهداف خویش بهره‌جوید.

راهکارهای این جنبش از ابتدا برخلاف فطرت انسانی ارائه شده است، در هر برهه از زمان با روشن شدن ناکارآمدی و اشتباهات راهکارهای قبلی، راهکارهای جدید ارائه می‌شود و موجب ایجاد شاخه‌های متنوعی در این جنبش می‌شود. این راهکارها از سوی مکاتب فکری ارائه می‌شدند که با از بین رفتن آن مکتب، کارآمدی راهکارهای جنبش فمینیسم نیز کاملاً از بین می‌رفت.

بررسی مبانی معرفتی

هیچ‌گونه وفاق مشترکی در خصوص اندیشه فمینیسم وجود ندارد و فاقد جهانبینی منسجم و اصول و ارزش‌های ثابت است. در نتیجه واژه مبانی معرفتی شاید مسامحه‌آمیز به نظر بیاید. با این وجود در این مقاله تلاش شده است که مبانی اندیشه فمینیسمی که بیشتر از بقیه مسائل منجر به کنش شده‌اند، مورد مذاقه قرار بگیرد.

زن در جهان بینی غربی

اومانیسم در لغت به معنای «بشرگرایی» یا «انسان مداری» است. در فرهنگ لغت ها معانی مختلفی برای این اصطلاح عنوان شده است که دو تای آن ها بیشتر رواج دارد. یکی معنای ادبی و دیگری معنای فلسفی تاریخی که این معنای دوم، معنای فراگیر و جامعی است که در دل خود به تعریف ادبی نیز توجه دارد. از منظر فلسفی تاریخی، اومانیسم به معنای «انسان سالاری» یا «بشرانگاری» است یا اعتقاد به اصالت بشر در مقابل خداوند یا همان «خودبنیادی نفسانی» است. این معنا همان صفت اصلی و ذاتی دوران مدرن است که علاوه بر جلوه گری در ادبیات مدرن، در همه وجوه و جنبه ها و صور و زوایا و اشکال حیات تمدن غرب جاری و ساری و هسته مرکزی آن بوده است. فلسفه حسی و تجربی بیکن و راسیونالیسم سوپزکتیویستی دکارت، بیان تئوریک و جامع و فلسفی اومانیسم هستند که جوهره آن تاکید بر بی نیازی بشر از هدایت قدسی و دین و تاکید بر خود بنیادی او - به شکل صریح یا مستور با حفظ ظاهر دینی - است و بشر خود را دایره مدار عالم و منشاء و غایت ارزش ها و مرکز هستی تصور می نماید. روح اومانیسم اگرچه شرک آلود و الحادی است اما بشرانگاری لزوماً به صورت الحاد آشکار، ظاهر نمی شود. بلکه اتفاقاً در تاریخ تفکر غرب مدرن و حتی قبل از آن، از ظاهری مذهبی برخوردار بوده است و به خدا و شریعت پایبند بوده است اما نسبت میان بشر و طبیعت و نیز نسبت میان انسان ها و نسبت میان دین و بشر و جایگاه فهم و درک آدمی را به گونه ای تعریف و تبیین می کرده است که به اصالت عقل و نفس بشری در مقابل اراده الهی منتهی می شده است.

عقل در غرب مدرن، صورتی از تفکر عقلانی است که خود را از ارشاد و هدایت تفکر غیبی و قدسی و وحیانی بی نیاز و مستغنی می داند و صرفاً به حوزه معاش و امور دنیوی مربوط است. لذا این عقل جزوی نفسانیت مدار، با اعتقاد به این مفروض اساسی که حرکت در بستر زمان همیشه به سوی «ترقی» و «پیشرفت» است، به استیلا هرچه بیشتر بر طبیعت و بسط اومانیسم و غلبه عقل مدرن پرداخت. مدرنیست ها بر پایه اصل پیشرفت، مدعی شدند که «ترقی» تنها با ورود به ساحت مدرن امکان پذیر است و اقوام یا جوامعی را که مدرن یا مدرنیزه نباشند «عقب مانده» یا «غیر پیشرفته» و «مرتجع» هستند.

باید توجه داشت که اومانیسم روح غالب عصر مدرن و مهم ترین ویژگی عصر جدید است و همه ی ایدئولوژی های مدرن، نظیر لیبرالیسم، مارکسیسم و شکل های مختلف سوسیالیسم و ناسیونالیسم و فاشیسم در ذیل آن و ملهم از آن

پدید آمده اند. پس اومانیسم فقط یک مکتب نیست. بلکه روح حاکم بر تمام وجوه زندگی و تفکر فلسفی و علمی و سیاسی و هنری و حتی دینی غرب مدرن است.^۱

در راستای همین طرز تفکر اومانیستی، سوالات اساسی ای که ذهن فمینیست ها را به خود مشغول می سازد این است که آیا زن و مرد انسان هایی برابرند؟ آیا آن ها انسان هایی متفاوتند و باید با آن ها متفاوت برخورد کرد یا اینکه باید به گونه ای یکسان و برابر برخورد کرد؟ در واقع محور تمام نظریات فمینیستی، بحث برابری و تفاوت است. رویکرد های متفاوت گرایش های فمینیستی در موضوعات ریشه های فرودستی زنان، وضعیت آرمانی و راهکارها اتخاذ می کنند، بسته به پاسخی است که به این پرسش ها می دهند.

دو اصل و شاخصه مهم نظریه برابری تاکید بر برابری زن و مرد و انکار تفاوت های میان دو جنس است که در بستر آموزه های لیبرالیسم شکل گرفته است. چنانکه گفتیم آموزه های لیبرالی در فضایی شکل گرفته بود که عقل و خرد بشری گوهری بی بدیل بود که با توانایی های گسترده ای که برای آن تصور می شد، تنها ملاک شرف و برتری او نسبت به سایر موجودات تلقی می شد.

لیبرالیسم به عنوان جریانی مولود مدرنیته به تغییر و تحولات زنان شتاب بیشتری داد و باعث شد زنان در بسیاری از مسلمات اجتماعی من جمله، الگوی زن خانه دار، وظایف زن و توانایی های زن و ... تردید کنند. همچنین اصالت فرد را جایگزین اصالت جامعه کرد به نحوی که فرد ملاک و معیار ارزش های اخلاقی می شود و «خوب» چیزی می شود که انسان به مثابه فرد آن را دوست دارد که نتیجه بارز آن نوعی آزادی است که منجر به پذیرش حق مالکیت فرد بر خود و زندگی و همه ی شئون خودش می شود. به این معنا دیگر انسان هیچ تعلقی به خدا، جامعه یا دولت ندارد.

شهریار زرشناس، مبانی نظری غرب مدرن؛ ص ۳۵-۳۷^۱

انسان از منظر توحیدی

هیچ کس در آفرینش از مزیتی که منشاء برخورداری های حقوقی باشد، بهره مند نیست، ولو اینکه از بعضی مزیت ها بهره مند است. همه ی مزیت ها، در اختیار همگان و وابسته به تلاش های مداوم و کوشش ها و مجاهدت های خود آدمی است. «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی» ای انسان ها، باز خطاب به همه است. ما آفریدیم شما را از مردی و زنی، همه ی شما را از یک مرد و یک زن، همه یکسان و برابرند از لحاظ منشاء و ریشه آفرینش. «و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» شعبه شعبه شدن ها و قبیله قبیله شدن ها برای تعارف و شناخت است. «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» گرامی ترین شما نزد خدا باتقوا ترین شماست.^۲

نگاه مترقی اسلام به بحث زن و مرد از گذرگاه زوجیت می گذرد. زوجیت یک اصل اساسی در خلقت کل عالم است. سبحان الذی خلق الازواج کلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا یعلمون.

در مفردات راغب آمده است که: «به هر یک از دو قرین، یعنی هم نر و هم ماده، در حیوانات زوج گفته می شود» بنابراین هرگاه دو چیز از نظر هیئت و ساختمان خاص خودشان نیازمند تالف و ترکیب با یکدیگر باشند، از این نظر که قرین هم هستند به آن ها زوج گفته می شود. البته باید توجه داشت که رابطه زوجیت فقط در میان هم نوعان است. چون برای قرینه بودن لازم است سه مساله در ۲ قرین وجود داشته باشد. ۱- شباهت ذاتی میان آن ها ۲- تفاوت های غیر ذاتی در هریک از آن دو ۳- کامل شدن آن ها با در کنار هم قرار گرفتن و تالف و ترکیب

بر اساس همین مبنا، زن و مرد هر دو، در داشتن بدن مادّی و نفس فرا مادّی، یعنی دو بعد مادّی و مجرد با هم مشابه هستند. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و و بث منهما رجالا کثیرا و نساء. این به این معناست که قرآن صراحتا انگاره های غلطی که در مکاتب فکری مختلف زن را پست تر از مرد تلقی می کند رد می کند.

حضرت امام خامنه ای در این خصوص می فرمایند: نگاه اسلام به جنسیت یک نگاه درجه دو است. نگاه اول و درجه یک، حیثیت انسانیت است که در آن جنسیت اصلا نقشی ندارد. خطاب در آن نگاه به انسان است. البته یا ایها الذین

سید علی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۲۰ - ۲۲۱

آمنوا است و با صیغه مردانه است، نه با صیغه زنانه. اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب مرد بر زن ترجیح دارد. این ناشی از عوامل دیگر است. مثلاً در زبان فارسی جمعیت را می‌گوییم مردم. از مرد می‌گیریم. نمی‌گوییم زنم. در انگلیسی «human»، چرا «man»؟ این نشانه این نیست که غلبه فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و چنین تصرفی کرده. این عوامل دیگری دارد. اینکه در خانواده، مرد نمای بیرونی است و زن نمای داخلی است. مرد ظاهرتر است و بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است. به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه مسائل اصلی انسان که مربوط به انسان است، زن و مرد هیچ فرقی ندارند.^۳ قلمرو مشترک میان دو جنس زن و مرد، خیلی بیشتر و وسیع‌تر از قلمرو خصوصی هر یک از دو جنس است. اگر چه در هر کدام وظیفه ویژه‌ای دارند که دیگری قادری نیست آن وظیفه را انجام دهد یا به خوبی انجام دهد اما در بین این دو قلمرو اختصاصی، یک پهنه وسیع وجود دارد که قلمرو مشترک است و آن پهنه زندگی اجتماعی، زندگی سیاسی، زندگی اقتصادی، سازندگی‌های بشر و همه هنرهایی است که انسان می‌تواند به آن‌ها بپردازد. در این پهنه وسیع هر دو با شرکت و هماهنگی و اعمال توانایی‌های خودشان، باید آن‌جا را بیوشانند و نگذارند آن قلمرو وسط ضایع شود، علاوه بر اینکه پست مخصوص خودشان را هم نباید خالی بگذارند.^۴

اما یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث تفاوت میان بینش توحیدی و نگرش غربی به زن و مرد می‌شود، نحوه مواجهه اسلام با تفاوت‌های ساختاری زن و مرد است. اسلام بر خلاف بینش فمینیستی بر تفاوت‌های ساختاری زن (و مرد) چه از حیث جسمی و چه روحی صحه می‌گذارد و این تفاوت‌ها را داخل معادلات خود به حساب آورده و بر اساس آن‌ها آموزه‌های دینی‌ای مختص به جنس زن (یا مرد) ارائه می‌دهد.

امام خمینی در این رابطه فرمودند: اسلام یک حقیقتی است که انسان را در تمام ابعاد که دارد، چه از بعد‌های مادی و چه بعد‌های معنوی تا برسد به آنجایی که آنچه در وهم تو ناید آن شود، در همه ابعاد نظر دارد و طرح تربیتی. شما به حکومت‌های دنیا، غیر ادیان وقتی که نظر بکنید، چه حکومت‌های شرق و غرب و چه حکومت‌هایی که در بین شرق و غرب هستند، هیچ حکومتی را نمی‌بینید که با کیفیت بارداری زن‌ها کار داشته باشد. با بچه‌های شیرخوار

^۳۹۰/۱۰/۱۴

^۴۷۴/۰۸/۲۲

کار داشته باشد، با کیفیت ازدواج که چه وقت باشد و چه وقت نباشد کار داشته باشد. با بچه های کوچکی که در دامن مادرشان هستند و با تکلیف پدر و مادر کار داشته باشد، بلکه هیچ حکومتی با اخلاق افراد هم کار ندارد.^۵

همچنین در اسلام برای هر یک از جنس زن یا مرد وظایفی مختص تشریح شده است. اما نکته مهم آن است که هیچ کدام از این دو مساله، یعنی احکام و وظایف مختص به یک جنسیت، موجب برتری آن ها بر یکدیگر نمی شود: ان اکرمکم عند الله اتقیکم. زیرا ملاک برتری، تقوا و عمل به این احکام و وظایف است. ملاک هرچه بیشتر بنده بودن و در مسیر عبودیت پروردگار عالم بودن است. ضمن اینکه همانطور که در آیه ۳۵ سوره احزاب آمده است، جایگاه اعمال زنان و مردان فارغ از عوامل دیگر، نزد خداوند متعال یکسان است.

حتی از نظر قابلیت الگوگیری زنان نه تنها هیچ تفاوتی با مردان ندارند، بلکه زنان والامقامی در طول تاریخ بوده اند که قابلیت الگوگیری برای همه مردان و زنان همه ی اعصار و ازمه را داشته اند. حضرت صاحب الزمان در تبیین روش زندگی خود فرموده اند: «و فی ابنه رسول الله لی اسوه حسنه»^۶

حضرت امام خامنه ای در تبیین این موضوع می فرمایند: در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند. رتبه شان فوق تصور امثال ماهاست. در آیه شریفه سوره احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند. برای اینکه خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بکوبند: «ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات» از اسلام تا ذکر یک فاصله ای است ولی همه جا مرد، زن، مرد خاشع، زن خاشع، مرد متصدق، زن متصدق، هیچ فرقی با هم ندارند و برای هر دو «اعد الله لهم مغفره و اجرا عظیما». در سوره مبارکه آل عمران بعد از آن «ربنا»ها میگوید: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اذیع عمل منکم من ذکر و انتی بعضکم من بعض» مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند.^۷

^۵ ۵۹/۰۴/۱۵

عباس عبداللهی، میثاق مهر و ماه، ص ۵۰

^۷ ۹۰/۱۰/۱۴

با این حال تاکید بسیار زیادی در خصوص کرامت و ارزش زن در کلام امام خمینی دیده می شود. ایشان زنان را مبداء همه خیرات می دانستند و مبداء بالقوه سعادت. می فرمودند: «زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن، انسان ها پیدا می شوند.»^۸ ایشان همچنین در خصوص آن چه تمدن غرب بر سر زن آورده است فرمودند: زن ها را در این دوره اخیر منحط کردند... خیانت کردند بر ملت ما، بانوان را ملعبه کردند. بانوان ما را مثل عروسک ها کردند. بانوان ما جنگجو بودند. این ها می خواستند ننگجو باشند و خدا نخواست. این ها اهانت به مقام زن کردند. این ها می خواستند زن را مثل شیء، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگذرانند.^۹

یک مساله مهم دیگر در بحث نگاه توحیدی به مساله زن و مرد، توجه به اراده و حکمت الهی در چپش این چنینی نظام خلقت است. توجه کنیم که او صاحب اختیار عالم است. عالمان چه کسانی هستند؟ ذرات عالم در مقابل او چه هستند؟ آیا ذرات عالم وقتی که ساخته و پرداخته او شدند، مثل فرزندی از مادر جدا می شوند. نه! اصلا قضیه این جور نیست. این ها در هر لحظه ای برای ماندن و بودن محتاج او هستند. محتاج قدرت او و اراده او و همه بندگان اویند. ^{۱۰} و نیز توجه به این نکته که اسلام نخواست به نفع زن و علیه مرد یا به نفع مرد و علیه زن قانونی وضع کند. اسلام نه جانبدار زن است و نه جانبدار مرد. اسلام در قوانین خود سعادت مرد و زن و فرزندان که باید در دامن آن ها پرورش یابند و بلاخره سعادت جامعه بشریت را در نظر گرفته است. اسلام راه وصول زن و مرد و فرزندان آن ها را به سعادت در این می بیند که قواعد و قوانین طبیعت و اوضاع و احوالی که به دست توانا و مدبر خلقت به وجود آمده نادیده گرفته نشود.^{۱۱}

۵۸/۰۲/۲۶

۵۸/۱۱/۱۲

سید علی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۴۵

مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۰

نسبت زن و خانواده در غرب

در موج اول، فمینیست های لیبرال که در پی مساوات و حقوق یکسان زن و مرد بودند، پایه گذار انتقاد به خانواده و ازدواج شدند. بعضی از آن ها کاملاً مخالف ازدواج و تشکیل خانواده بودند و حتی بعضی از آن ها در این راه مبارزه می کردند اما اکثر آن ها با وجود داشتن انتقادات جدی، معتقد بودند که خانواده ابزار اصلی ستم بر زنان و نهادی ناعادلانه و در جهت انقیاد و فرودستی زنان است اما مایل به براندازی آن نبودند و درصدد اصلاح بودند. بسیاری از فمینیست ها رفتار مردان را در خانواده ظالمانه می دانستند اما اصل ازدواج را به عنوان نهادی مقدس و حافظ عفت عمومی تصدیق می کردند.

در موج دوم، توجه به مساله خانواده شدت گرفت و میان فمینیست های لیبرال که نظراتشان در باب خانواده گفته شد و فمینیست های رادیکالی که گرایش هایی مبنی بر لزوم نابودی نهاد خانواده، ازدواج و حتی مادری و به رسمیت شناخته شدن عشق آزاد داشتند، نزاعی در گرفت و موجب واکنش از سوی فمینیست های لیبرال و میانه رو شد که از این جریان به عنوان «فمینیسم خانواده گرا» یاد می شود.

در واقع شاخه ی رادیکال خواسته ای بزرگتر از سهم مساوات طرح کردند و خانواده را در معادلات خود نادیده می گرفتند و منکر تکامل بخشی ازدواج و زندگی خانوادگی و مفید بودن برای زنان می شوند. آن ها حتی آشکارا مدعی هستند ۵ جنسیت مختلف وجود دارد: مردان، زنان، زنان هم جنس باز، مردان هم جنس باز و انسان های دو جنسی که هم با مرد و هم با زن می توانند در آویزند. آن ها در جنگ با قانون طبیعت و اقتضات طبیعی جنسیت، مقولات زن و مرد را جزو جعلیات و کاربکاتورها و ساخته های فرهنگی می دانند و یا اینکه می گویند زن از مقولاتی است که ساخته و پرداخته مردان است.

اما نسل دیگری از رادیکال فمینیست ها دو جنسیتی بودن طبیعت بشر را نپذیرفتند و تفاوت های بین دو جنس را طبیعی و ذاتی و تغییرناپذیر قلمداد کردند. آن ها قائل بودند صفات اصلی زنانه (نه صفاتی که در نظام مردسالار به زنان تزریق شده) صفات برتر و ارزشمند هستند، لذا باید در جامعه گسترش یابد و صفات خشونت و جنگ طلبی و سلطه جویی که صفاتی مردانه هستند، باید از جامعه ریشه کن شوند زیرا همین خشونت و سلطه جویی ذاتی مردان

باعث فرودستی زنان شده است. از همین رو مردان، دشمن اصلی زنان هستند و نظام مردسالار، نظام فاسدی است که باید نابود شود.

در نهایت همه ی این مناقشات ثمره ای جز پریشانی خانواده ی تحت تاثیر این تفکرات نداشت. این پریشانی همانطور که دانستیم امری عارضی نبود که بر اثر عوامل خارجی به وجود آمده باشد. انسان در دنیای مدرن تعریف دیگری از خود ارائه داد و به تبع آن، تعریف زن نیز دچار دگرگونی شد. و همین امر موجب بحران خانواده و به تبع آن، بحران جامعه شد. در واقع این پریشانی محصول دگرگونی جهانی در تمدن غربی است که در آن، ارزش زن، ارزش خانواده و نیز ارزش انسان و ارزش جهان پیرامون او سقوط کرده است. کلید شروع این جهانی نیز _ همانطور که در بحث اومانیزم گفته شد _ بعد از رنسانس زده شد که با رویگردانی از دین، گرفتار دوگانگی های ساختگی مانند "زن یا مرد" شد و همین منشاء طرح بحث حقوق زن و مرد به معنی جدید آن و ایجاد رقابت های فسادبرانگیز شد.^{۱۲} حال با توجه به بستری که تمدن غربی فراهم آورد، طبیعی است که مساله خانواده که اساس آن بر پایه نفی فردیت فرد در جمع است، دچار چالش جدی شود.^{۱۳}

اصغر طاهر زاده، زن آنگونه که باید باشد، ص ۱۲۴۷

همان ص ۱۲۷۸

نسبت زن و خانواده در اسلام

ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم بر می دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته اند. هر چه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل باشند و از جبهه های دیگر و قطب های دیگر و قسمت های دیگر، خودشان را جدا و کنار بگیرند. چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند، این را در قرآن می گویند ولایت.^{۱۴}

با [خواندن] این عقد [ازدواج] یک سلول جدیدی در پیکره اجتماع ایجاد می کنیم، که این پیکره اجتماع از سول های خانواده ها تشکیل شده است.^{۱۵}

بنابراین خانواده اگر با مبانی اسلامی تشکیل شود و بر اساس اسلام، جهت خود را انتخاب و به سوی آن حرکت کند، می تواند یک قسمت از صفوف به هم پیوسته ولایت مومنان در جبهه نبرد حق علیه باطل باشد.

این برخلاف نگاه غربی به خانواده است که آن را تنها نهادی مدنی تلقی می کند. از نظر اسلام ازدواج باید در وقت نیاز صورت بگیرد چون یک نیاز طبیعی و هم سو با فطرت است و اسلام به نیازهای طبیعی انسان اهمیت می دهد و راه سالم تامین نیازها را پیش روی انسان قرار می دهد.

مهم ترین فایده ازدواج هم تشکیل خانواده است و بقیه مسائل فرعی و درجه دو یا پشتوانه این مساله هستند مثل تولید نسل یا ارضای غرائز بشری.^{۱۶} ذکر روایت داریم که: «من تزوج احرز نصف دینه» کسی که ازدواج کند، نصف دینش را نگه داشته است. نصف دینی که نگه داشته شده است، کدام است؟ یک مقدارش همان چیزی است که از ناحیه غرائز جنسی مورد تهدید قرار می گیرد.^{۱۷}

سید علی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۴۱۳

۱۴۳/۱۲/۱۱

۱۵۰/۱۲/۰۹

۱۶۲/۱۲/۱۲

« هو الذی خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه»^{۱۸}

زوجیت و دوجنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده -مرد در کنار زن، زن در کنار مرد- آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل به خانه و یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله آرامش است و برای زن هم داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد از زن جسماً قوی تر است - یک خوشبختی و مایه آرامش و سعادت است. لتسکنوا الیها یعنی هردو برای سکون و آرامش به هم احتیاج دارند. مهم ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. می فرماید: «وجعل بینکم موده و رحمه»^{۱۹}

امام خامنه ای در تبیین رابطه وحدتی که در خانواده و موالاتی که بین اعضای خانواده باید باشد می فرمایند: بنای کار ازدواج بر مبنای سازش دختر و پسر است. در داخل خانواده سازش کاری حسن است و عیب نیست^{۲۰} جزو واجبات است.^۱ هرچقدر سازش با آمریکا و صهیونیست ها و آدم های نابکار بد است، سازش با همسر خوب است. البته سازش با دوستان دیگر هم خوب است، اما این سازش از مه سازش ها بهتر است.^{۲۲}

نبایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هرچه گفتند همان بشود. باید بنا داشته باشند که با هم سازگاری کنند.^۳ اما زن برای آن طبیعت نرم و منعطفی دارد راحت تر می توانند سازگاری نشان دهد اما این به معنایش این نیست که حالا مردها هر هارت و پورتی که کردند و توقع بی جایی کردند بگویند که زن باید بسازد.^۴ این طور هم

قرآن کریم، سوره روم، آیه ۴۱

۱۶۶/۰۷/۳۰

۲۸۱/۳/۸

۲۷۸/۴/۹

۲۸۲/۱/۱۱

۲۷۸/۴/۹

۲۸۱/۷/۱۱

نیست که بگوییم همه جا خانم از آقا باید تبعیت کند، چنین چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع و این معنای الرجال قوامون علی النساء نیست. یا برعکس که مرد تابع زن باشد، این هم غلط است.^{۲۵}

مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست. طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه ای فی ما بین به وجود می آورد و آن رابطه ی عشق و مهربانی است: موده و رحمه. پس رابطه درست زن و مرد هم این است: مودت و رحمت. رابطه دوستی، رابطه مهربانی، هم دیگر را دوست بدانند و با هم مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست. در واقع عامل پیوند خانواده همین محبت است.

در تبیین این رابطه ی محبتی که اساس شکل گیری پیوند و ارتباط و پیوستگی و در یک کلمه، ولایت بین زن و مرد است، باید به دو اصل قوام بودن مرد و ریحانه بودن زن توجه کرد. قوام در آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم»^{۲۶} به معنای قیام کننده برای رفع حوایج همسر و خانواده آمده است.^{۲۷} و بین اصطلاح قیّم و قوام و ماهیت سوء عملکرد افراد مانند هر نوع حاکمیت و ریاست در هر سازمان و نهادی تمایز قائل شد. زیرا در منطق مدیریت اسلامی، ریاست از هر خشونت و تحکم و استبداد رای به دور بوده و بر اساس لینت در گفتار و حسن معاشرت و اجراء قانونمند استوار می گردد. خصوصاً در زندگی زناشویی که اساس آن بر آمیزه ای از مودت و رحمت بنیان نهاده شده و زندگی با مدیریت مرد بر پایه محبت، از آغاز تا پایان زندگی در قلمرو و مدیریت حاکم است.^{۲۸} بنابراین در شریعت اسلامی، مبتنی بر ساختار وجودی زن و مرد و اصل زوجیت، مسئولیت سرپرستی خانواده، با توجه به روح جلالی مرد بر عهده اوست و در صورت بروز اخلال در عرصه های مادی و معنوی خانواده، طبیعتاً خدا مردان را که سرپرست این مجموعه هستند، بازخواست می کند.^{۲۹} همچنین زنان هم در شوهرداری و فرزندپروری مسئول اهل خانه هستند و از زن در مورد آن ها بازخواست می شود.^{۳۰}

۲۵/۱/۱۹

قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۳۴

سید حسین تقوی دهاقانی، آسیب شناسی دینی فمینیسم، ص ۲۹

آسیب شناسی دینی فمینیسم، ص ۱۷۸-۲۷۹

عباس عبداللهی، میثاق مهر و ماه، ص ۹۵۹

همان، ص ۱۴۶

در تبیین ماهیت زنانگی زن نیز امام خامنه ای می فرمایند: «المراه ریحانه» یعنی زن گل است. در این نگرش زن یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او می نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می کند. مرد در چشم زن مظهر اعتماد، اتکاء و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می کند.^{۳۱}

در نهایت باید توجه کرد که جایگاه خانواده در اسلام بسیار رفیع و مهم است. امام خامنه ای می فرمایند: اگر جامعه ای خانواده نداشته باشد یا خانواده در آن متزلزل باشد، انسان در بهترین پرورشگاه های خود پرورش پیدا نخواهد کرد.^{۳۲}

خطبه عقد مورخه ۳۸۱/۶/۶

خطبه عقد مورخه ۳۷۷/۱۰/۲۹

مطالبات فمینیسم در بحث حقوق زنان

دستیابی زنان به حقوق شهروندی و مانند آن، محصول اصلاح، تکمیل و گسترش لیبرالیسم است و نباید آن را جریانی جدای از لیبرالیسم یا علیه آن تلقی کرد. بنابراین می توان گفت که دستیابی زنان به حقوق خود، معلول علت هایی چند است من جمله تلاش خود فمینیست ها برای دستیابی به این حقوق و مبارزه، دوم مصالح سیاسی و اجتماعی که دولت مردان را وادار می کرد به اینکه زنان به بخشی از حقوق خود دست پیدا کنند و سوم توسعه طبیعی تمدن غرب مدرن که در طی زمان، منجر به تحقق این مطالبات می شد.

فعالیت های زنان غربی در خصوص مطالبه حقوق خود از اواخر قرن ۱۸ میلادی آغاز می شود. آن ها با نوشتن اعلامیه های حقوق زن و شهروند زن جنبش مطالبه گری حقوقی خود را آغاز کردند و خواهان قانون یکسان برای شهروندان، فارغ از جنسیت آن ها شدند. سپس ایده های برابری حقوقی زنان و مردان تا مرحله ی برابری آموزشی پیش رفت اما هنوز این انگاره ها در ذهن غربی ها جای داشت که زنان برای باروری و فرزندآوری در نظر گرفته شده اند و در نتیجه اگر به کار فکری و فعالیت اجتماعی بپردازند نظم طبیعی امور و پدیده های آدمیان را آشفته خواهند کرد. از همین رو برخی سرسختانه «پروژه قانون ممنوعیت سواد آموزی زنان» را دنبال می کردند. همچنین قانون مدنی تا قرن ۱۹ برای زنان استقلال در امور اقتصادی قائل نبود و حتی قانون لغو طلاق توسط لویی دوبونالد در فرانسه سال ۱۸۱۶ به تصویب رسید که از نظر آنان راهی برای محافظت از نهاد خانواده در برابر طلاق بود. ضمناً این گونه نبود که این نظرات محافظه کارانه در راستای حفظ قدرت با مخالفت اندیشوران عالم غرب مواجه شود. همه ی اخلاق گرایان و مردان اهل خرد، فارغ از باورهای سیاسی شان کلاً آن را پذیرفتند. اساساً از دیدگاه آنان اساس و بنیاد حقوق بر خرد برتر پدر نهاده شده بود.

به هر روی این کارنامه ی سیاه و دفاع ناپذیر با مبارزه ی طولانی زنان غربی اندک اندک تغییر کرد. با پیگیری های آنان حداقل های سواد آموزی و آموزش ابتدایی محقق شد و دریچه هایی در زمینه کار خارج از منزل برای زنان باز شد. البته این اشتغال عمدتاً در کسوت خدمتکار یا کارگر بود. این زنان در مجموع چندان به جایگاه حقوقی فرودست زنان شوهردار حساس نبودند. بلکه به عنوان قربانیان درجه اول بهره کشی کارفرمایان بیشتر می کوشیدند شرایط

زندگی روزانه خود را بهبود ببخشند. دستمزد آنان از همکاران مردشان کمتر بود و سندیکاهای کارگری نه تنها به آنان یاری نمی رساندند بلکه برخلاف آن رفتار می کردند و همین مسائل رفته رفته سبب اعتراضات زنان کارگر شد.

در سال های ابتدایی قرن ۲۰ ایده حق رای زنان در برخی کشورهای اروپایی و آمریکا، برای زنان ۳۰ سال به بالا پذیرفته شد. در سال های دهه ۷۰ قرن ۲۰ میلادی پیگیری مطالبه ی حق سقط جنین شکل جدی تری گرفت. این مساله که در سال های قبل تر، جرقه هایی از آن زده شده بود؛ حالا با بیانیه هایی از سوی فمینیست هایی پیگیری می شد که معتقد بودند ریشه های سرکوب زنان را باید در تمدن پدرسالارانه جستجو کرد و رسانه ها هم این مطالبه را پوشش می دادند. تصویب قانون سقط جنین در فرانسه در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۴ رخ داد که گفته می شد اینگونه اقدامات در راستای تسهیل دسترسی زنان به سطوح گوناگون مسئولیت و نیز بهبود وضعیت آنان است.

در اواخر قرن ۲۰ میلادی بحث قانون «سهمیه بندی» در اروپا و آمریکا مطرح بود که بر اساس آن، فمینیست ها خواهان برابری تعداد زنان و مردان در لیست های انتخاباتی بودند. آن ها معتقد بودند سهمیه بندی مشارکت زنان و مردان باید در مدیریت و اداره ی سیاسی ملت ها اصل باشد و حضور زنان در مجلس های برگزیده می تواند به تهیه قانون هایی مساعد به حال زنان بینجامد. با این وجود برخی معتقدند گرچه زنان حقوق زیست اجتماعی و سیاسی خود را به دست آوردند اما باید قدرت کاربست این حقوق را نیز به چنگ آورند. در نتیجه به این معنا فمینیسم در بعضی از کشورهای اروپایی همچنان یک اتویی باقی مانده است زیرا هنوز مساله ضمانت اجرایی این حقوق حل نشده است. برای مثال در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دولت های عضو این کنوانسیون توافق کردند: ماده ۱- این کنوانسیون عبارت «تبعیض علیه زنان» به هرگونه تمایز، استثناء، محرومیت یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو بهره مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه ی دیگر توسط زنان است، صرف نظر از وضعیت زناشویی آن ها و بر اساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می گردد.^{۳۳}

^{۳۳} حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، ص ۵۲۷

در بخش سوم از این کنوانسیون و در ماده ۱۱، بند شماره ۲ آمده است: به منظور جلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان بر پایه ازدواج یا مادری، بارداری و تضمین حق موثر آنان جهت کار، دولت های عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد: الف) ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج بر اساس وضعیت زناشویی و اعمال مجازات هایی بدین منظور. ب) صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق و مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی، ارشدیت یا مزایای اجتماعی. پ) تشویق به ارائه خدمات حمایتی اجتماعی لازم به نحوی که والدین را قادر نماید تعهدات خانوادگی را با مسئولیت شغلی و مشارکت اجتماعی هماهنگ سازد. به خصوص از طریق ترغیب ایجاد و توسعه شبکه تسهیلاتی برای مراقبت از کودکان. ث) برقراری حمایت خاص از زنان هنگام بارداری در انواع مشاغلی که برای آنان زیان آور محسوب می شود.

علاوه بر این موارد این کنوانسیون، کشورهای عضو را ملزم کرد به قرار دادن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی و سایر قوانین، تعدیل الگوهای اجتماعی و رفتاری و فرهنگی مردان و زنان به منظور برداشتن کلیه تعصبات و کلیه روش های سنتی و غیره که بر تفکر پست نگر یا برترنگری هریک از دو جنس یا بر نقش های کلیشه ای مردان و زنان استوار است و نیز شرایط مساوی با مردان جهت انتصاب در سمت های دولتی و کلیه مسئولیت های دولتی در تمام سطوح و شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن، رای دادن در کلیه انتخابات و همه پرسی های عمومی و داشتن اهلیت برای انتخاب شدن در تمام نهادهایی که به طور عمومی انتخاب می شوند و نیز شرایط یکسان و اعطای حقوق مساوی با مردان در زمینه آموزش و پرورش و حقوق و شرایط یکسان برای اشتغال و فرصت های استخدامی و حق یکسان برای عقد ازدواج و حق یکسان در انتخاب همسر و حقوق و مسئولیت های یکسان در طی دوران زناشویی و در هنگام جدایی و نیز حقوق و مسئولیت های یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و در مورد قیمومیت و حضانت و سرپرستی و فرزندخواندگی و ...

این کنوانسیون که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، از سوی شورای نگهبان به دلیل مغایرت با شرع مقدس اسلام و احکام اسلام رد شد و حضرت امام نیز از ابتدای مبارزات سیاسی خود تاکید داشتند که اعلام به تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت، الغاء اسلام است.

اما آیا اسلام به مساله حقوق زنان اهميت نمي دهد؟ يا اينکه اسلام خودش حقوق زنان در بالاترين حدش تضمين کرده است و برخلاف حقوق بشرهای غربی است که نه تنها ضمانت اجرایی ندارند بلکه تنها زمانی به کار گرفته می شوند که در راستای منافع استکبار و استعمار قدرت های جهانی باشند؟

حضرت امام خامنه ای فرمودند که امروز دستگاه های استکباری در این منطقه هدف های خطرناکی برای خودشان تعريف کرده اند. این ها هدف هایی هستند که با سرنوشت ملت ها سر و کار پیدا می کنند. ابزارهایی هم که به کار می گیرند ابزارهایی بسیار خطرناک و غیرانسانی و سبعانه است.... یعنی جان انسان ها برایشان ارزشی ندارد. این که ادعا می کنند حقوق بشر و حقوق انسان ها و حقوق شهروندی و از این ادعاهای پوچ و بی محتوا، همه خلاف واقع است. شاهدش همین است که ملاحظه می کنید. به بیمارستان حمله می کنند، ده ها نفر بیمار را با بمباران به قتل می رسانند، بعد می گویند ببخشید، اشتباه شد! گاهی همین ببخشید را هم نمی گویند. آن وقت یک سگی یا یک گربه ای وقتی در چاه می افتد، همه ی ابزارها را به کار میگیرند که این را از داخل چاه سالم بیرون بیاورند، یعنی ما طرفدار موجود زنده ایم. خطر بزرگ دنیا این ریاکاری است. این دروغگویی است. این نفاق است.^{۳۴}

این مساله بارها در بیانات امام خامنه ای با عنوان حقوق بشر آمریکایی مطرح شده است.

مطالبات اسلام در بحث حقوق زنان

آیا این خرد، این اندیشه انسانی کفایت می کند که شما را هدایت کند؟ به سر منزل سعادت برساند؟ عقل بشر برای هدایت او بسنده است؟ خود خرد اگر باز باشد، اگر فکر کند، اگر تعصب نوزد، اگر بدون غرض بخواهد قضاوت کند، خواهد گفت نه! خرد سالم بی غرض انسانی، قضاوت می کند که من صلاحیت ندارم انسانیت را مستقلاهدایت کنم. یک دلیل آن است که عقل بشر محدود است، بی نهایت نیست. در حالی که نیازهای انسان بی نهایت است. از کجا می تواند همه ی نیازها را یک خرد بفهمد تا اینکه در مقابل آن نیازها، آن چه که جای این نیازها را پر کند، فراهم بیاورد یا قانون بگذارد؟ انسانیت تا به یک مبداء و یک نقطه ای فراتر و بالاتر و عمیق تر از خرد انسان متصل نباشد، نمی تواند راه به هدایت و سعادت برساند.^{۲۵}

حضرت امام خمینی می فرماید: امروز غیر روزهای سابق است. امروز غیر زمان های سابق است. امروز باید خانم ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند. عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.

کما اینکه حضرت امام در مسائل ملی، مثل فراندوم، نه تنها ورود زنان به این عرصه را از وظائف می دانند بلکه، بر شیرزنان مبارز در صف های مجاهده درود می فرستند و بارها و بارها برای آنان دعا می کند و از آنها تشکر می کند. پس از انقلاب هم این تلقی و شبهه که اسلام با احکامش برای زنان مانع تراشی کرده است، به شکل منسجم تری مطرح شد و یا از طرف مخالفین انقلاب اسلامی و تربیت یافتگان مکاتب غربی با تاکید بر احکام حجاب و عفاف بود (مثل مصاحبه اورینا فالاجی با حضرت امام و سوال در خصوص صحیح بودن حجاب) یا دغدغه های زنان مسلمان و مبارز در خصوص احکام طلاق بود (که حضرت امام در این رابطه راهکار شرط ضمن عقد را مطرح کردند) اما آنچه به طور کلی از سخنان امام بزرگوار بر می آید، عدم وجود هر گونه دوگانگی و تعارض میان فطرت و دین و طبیعت عالم است که اسلام تنظیم کننده آن است. فلذا هر جا که علی الظاهر سخن از مغایرت میان احکام اسلام با حقوق زنان به میان می آید، ایشان از احکام اسلام طرفداری می کنند. ایشان در تبیین جنایات غرب علیه زن می فرمایند: «زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب

سیدعلی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۴۷-۲۴۸

در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت های اجتماعی پیشرفت کند. همه ی این ها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم.» انتصاب بانو مرضیه حدیدچی (طاهره دباغ) به سمت فرماندهی سپاه استان همدان توسط شخص حضرت امام خمینی یکی از این نمونه ها بود. یکی دیگر از این شواهد، فعالیت همسر حضرت امام در عرصه اجتماعی و سیاسی است: « خانم دائما از اخبار روزانه اطلاع می یافت. حتما هم اتفاقات را با کنجکاوی دریافت می کرد. بعضا نکاتی را به آقا و بیشتر به سید احمد آقا یادآوری می نمود و نتیجه را دنبال می کرد و به مسئولین در هنگام ملاقات تذکر می داد. خانم نسبت به وضع زندگی مردم و ناملایمات ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله حساس بود. از نرخ تورم و اوضاع نه چندان خوب اقتصادی ناله داشت و در هر فرصت به گوش دست اندر کاران می رسانید.»^{۳۶}

امام خامنه ای همواره تاکید داشته اند که: «نظر اسلام در مورد حقوق زن و مرد باید تبیین گردد»^{۳۷} و پس از تبیین حقوق هم، دفاع قانونی و اخلاقی خواستار می شوند: « دفاع قانونی با اصلاح قوانین همانطور که گفته شد و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مساله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی فهمند و زن را در خانه، مستخدم مورد ستم مرد، بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی و این گونه هم عمل می کنند. باید با این فکر با قوت و شدت مقابله شود، البته به شکل کاملا منطقی و عقلانی.»^{۳۸} و در آخر هم با متعدیان و متجاوزان به حقوق زن برخورد شود. ایشان در مورد این مساله و تفاوت آنچه در غرب در جریان است می فرمایند: «جامعه هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازات های سختی را پیش بینی کند. باز من همین جا عرض کنم، در کشورهای غربی علیرغم این همه شعاری که سر می دهند، هنوز نتوانسته اند این را تامین کنند. یعنی در داخل خانواده ها، زنانی که از دست شوهرانشان کتک می خورند و دخترانی که از دست پدرانشان صدمه می بینند و مجروح می شوند، فراوانند. آمارهای تکان دهنده و وحشت آوری هم در این زمینه وجود دارد. منتها در آن جا یک چیز دیگر هم هست و آن قتل نفس است. راحت خون می ریزند، راحت می کشند. کشتن آن قبیحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیط هایی که

علی تقفی؛ بانوی انقلاب؛ ص ۳۹

۳۷۶/۰۷/۳۰

همان

از معارف الهی بویی نبرده اند متأسفانه ندارد. کشتن زنان یکی از بلیه های بسیار زشت و نفرت انگیزی است که در کشورهای غربی به ویژه آمریکا رایج است. این کار خوشبختانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز در موارد استثنایی دیده نمی شود. اما به هر حال هرگونه ستم و تعدی جسمانی نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است برسند.^{۳۹}

مطالبه ی ویژه ی دیگری که امام خامنه ای در راستای اصلاح ساختارها برای مطالعه و تبیین در مورد مساله زن و خانواده و بررسی و ایجاد و پیگیری راهبرد صحیح و همه جانبه درباره آن داشته اند، تشکیل یک مرکز عالی فراقوه ای بوده است. این مطالبه از دغدغه ایشان در خصوص مسائل زنان پرده بر می دارد. از نظر ایشان مساله زن قابل تفکیک از مسائل خانواده نیست و جزو مسائل اساسی است.

همانطور که از بیانات امام خامنه ای بر می آید، با وجود آنکه جامعه اسلامی در این مسائلبا فاصله بسیار از جامعه غربی جلوتر است اما هنوز برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید اقدامات و فعالیت های متناسبی پیگیری و اجرایی شود تا مطالبات امام جامعه در خصوص حقوق زنان محقق شود.

اشتغال زن در بینش غربی

فمینیسم از آن جهت که محصول نظام اومانیستی غرب است زاییده ی غرب است و از آن جهت که در جهت تامین منافع سرمایه داری است، در راستای تامین منافع آن است. همانگونه که در بخش مطالبات حقوقی فمینیسم گفته شد، انقلاب صنعتی و نظام سرمایه داری تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف زندگی غرب به دنبال داشته اند. که یکی از آنها ورود زنان به بازار اشتغال است. اشتغال زنان و حضور گسترده آنان در فعالیت های اقتصادی به شکل مطلوب نظام غرب مدرن، باعث شد مسائل و موضوعات جدیدی برای زنان، خانواده و اجتماع مطرح شود و زمینه ساز تنگ شدن عرصه بر فرهنگ ها و آداب و رسوم سنتی حاکم بر روابط زن و مرد در خانواده شد. در شرایطی که زن همانند مرد از قدرت اقتصادی برخوردار بود، آموزه های قدیمی مبنی بر اطاعت زن از مرد به دلیل نقش نان آوری مرد برای خانواده، دیگر منطقی به نظر نمی رسید. همچنین با حضور زن در کار بیرون از خانه به همراه مرد، عدم شرکت مردان در داخل خانه دیگر مانند گذشته قابل توجیه نبود. در واقع با شرایط جدیدی که پس از انقلاب صنعتی بر خانواده های پدرسالار حاکم شده بود، آموزه های قدیمی دیگر توان پاسخگویی به نیازهای جدید به گونه ای که با شرایط جدید همخوانی داشته باشد را نداشت. در همین اثنا فمینیسم با زیر سوال بردن نظم پیشین و تعریف حقوق و نقش های جدید برای زنان، گره از کار سرمایه داری گشود که در این بین هر دو جنس زن و مرد، در جایگاه خود متضرر شدند. البته ما در خصوص تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده در بخش خانواده توضیحاتی دادیم اما در این بخش می خواهیم به اصل اشتغال زنان در غرب و اسلام بپردازیم.

در نظام سرمایه داری غربی، نه تنها کار زنان در خانه جزء تولید ناخالص ملی به حساب نمی آید، بلکه حتی وقتی زنان از کار بی مزد خانه فارغ می شوند و مایل به انجام کار در خارج از خانه هستند، در اکثر موارد، کم درآمدترین و بی کیفیت ترین کارها به آن ها واگذار می شود. در فرانسه کمتر از ۴ درصد رؤسای مؤسسات زن هستند. در عوض ۷۰ درصد کارمندان ادارات و ۸۰ درصد پرسنل خدماتی را زنان تشکیل می دهند و در مجموع مزد زنان ۳۰ درصد کمتر از مردان است.^{۴۰}

اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، ص ۷۵^{۴۰}

اساساً جنس نظام سرمایه داری در راستای کم بها دادن به زن است. برای همین نمی تواند تحمل کند که زن به اندازه ی مرد حقوق بگیرد. زیرا در نظام سرمایه داری غربی، بازار - که علی الظاهر بیشتر تولید ثروت می کند - بر اقتصاد پایه برتری دارد و اعتبار و موقعیت زنان به خاطر زن بودنشان در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه دار می شود مگر آنکه وارد چرخه ی بازار شوند. از همین رو با کم اثر شدن نقش های زنانه و خروج زن از موضع اقتدار و کارآمدی ویژه، احساس ارزشمندی در زنان کم می شود و دور شدن از ابعاد زنانه، زنان را از قدرت های خاص و ویژه زنان و موقعیت های منحصر به فردی که در خانواده با شوهر و فرزندان داشته اند، محروم می سازد. در راستای همین اضمحلال در فرهنگ سرمایه داری، برخی فمینیست ها علیرغم شعارهای مبارزه با تحقیر و زن ستیزی، خود به تحقیر زنان و نقش های زنانه مثل همسری و مادری می پردازند و از همین روست که برخی فمینیست ها به نتیجه رسیده اند که فمینیست بودن یعنی دور انداختن قسمت های زیبا و خوب زن بودن.

مبنای این مساله این است که در نظام ارزش گذاری غربی، قدرت و ثروت بر خدمت برتری دارد و ارزش ها را پول تعیین می کند. قرآن کریم در خصوص اینان می فرماید: و اذا جاءوك حیوک بما لم یحیک به الله. یعنی تغییر دادن نظام ارزش گذاری. برای همین تربیت فرزندان توسط مادران در خانواده کاری بی ارزش است یا کار شبانه روزی مادران و زنان در خانه ارزش ندارد، چون پول نمی تواند ارزش کار و خدمت آن ها را تعیین کند.

اساساً در نظام خانواده روح «خدمت» حاکم است و نه «قدرت»^{۴۱} و برای همین یکی از دلایلی که خانواده در فرهنگ غربی بی ارزش است همین وارونگی نظام ارزش گذاری است.

اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، ص ۴۷

اشتغال زن در بینش توحیدی

وقتی که انسان مسلمان شد، همه چیز برای او مقدمه و وسیله است. برای اینکه بتواند رضای خدا را به دست بیاورد. زندگی دنیا، پول دنیا، آسایش دنیا، محبت های دنیا، برایش اصالت و ارزش ندارد. آن وقتی برای او ارزش پیدا می کند که در راه خدا باشد. «فی سبیل الله»^{۴۲}

حضرت امام خمینی در جمع گروهی از بانوان عضو موسسه خیریه و اعضای انجمن اسلامی پرستاران فرمودند: و این بانوان در این مدت کم آنقدر فعالیت کردند که شما نمونه اش را در قم ملاحظه می کنید و از این نمونه در شهر های دیگری هم هست.... شما بانوان در پشت جبهه آن فعالیتی را می کنید که آن سلحشوران در جبهه ها و همانطوری که آن ها مشغولند، شما مشغول فعالیت هستید^{۴۳}.

برعکس آنچه از اشتغال در نگاه غربی فهمیده می شود، در بینش توحیدی اسلام، حد و مرزی برای زمان و مکان کار مفید، آنگونه که در نگاه غربی وجود دارد، تعریف نمی شود و از هر لحظه برای انجام یک کار مفید می توان بهره برد. بر این اساس، هر زن می تواند مشغول به انحاء متفاوتی از اشتغال باشد. در درجه اول، هر زن با حمایت و پشتیبانی از همسرش که در خارج از خانه مشغول فعالیت است، به طور غیر مستقیم در فعالیت های او دخیل است زیرا نقشی که همسران در از بین بردن دغدغه های همسرانشان نسبت به مسائل و مشکلات درون خانواده ایفا می کنند بی بدیل است.

در مرحله ای دیگر، ما معتقدیم که هر زن خودش می تواند به طور مستقیم در عرصه ی اقتصادی کنشگر باشد. مولد باشد و فرصت سازی کند.

بیهقی از اسماء بنت یزید انصاری نقل می کند که نزد پیامبر که در جمع اصحاب نشسته بود آمد و گفت: پدر و مادرم به فدایت! من به نمایندگی از طرف زن ها نزد شما آمده ام و فدایت شوم! می دانم که هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست که سخن مرا بشنود، مگر اینکه با من هم رأی خواهد بود. خداوند تو را به حق، سوی مردان و زنان فرستاد و ما هم به تو و خدایی که تو را فرستاده ایمان آوردیم. ما طایفه زنان محدود و محصور هستیم و اساس خانه های شما

سید علی حسینی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۶۸

۴۶۱/۱۲/۲۲

می باشیم و خواهش های شما را بر آورده می سازیم و فرزندان شما را حامله می شویم؛ اما شما مرد ها بر ما برتری هایی دارید: نماز جمعه و جماعت می خوانید، به عیادت بیماران می روید، جنازه ها را تشییع می کنید و پیایی حج می روید و برتر از همه ی این ها، جهاد در راه خداست. هر گاه مردی از شما برای حج یا عمره یا جهاد از خانه خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم و پارچه های لباس شما را می بافیم و فرزندانان را تربیت می کنیم. پس ای رسول خدا، آیا در اجر و ثواب، شریک شما نیستیم؟

پیامبر به اصحاب خود روی کرد و فرمود: آیا تا به حال شنیده اید که زنی در پرسش موضوعات دین خود به این خوبی سخن بگوید؟ گفتند: ای رسول خدا، گمان نمی کردیم زنی تا بدین پایه برسد.

سپس پیامبر رو به اسماء کرد و فرمود: ای زن، برگرد و به زنانی که تو را به نمایندگی فرستاده اند، اعلام کن که نیکو شوهرداری هر یک از شما زنان و جلب رضایت شوهرش و پیروی کردن از نظر موافق او در کارها، با همه ی اعمالی که برای مردان نام بردی، برابری می کند.^{۴۴}

در این روایت می بینیم که زنان عصر پیامبر، در کنار حفظ اموال همسران، پارچه بافی می کنند. در واقع پیامبر اکرم برای همین فعالیت های اقتصادی خرد و کوچک، اهمیت زیادی قائل شدند و آن را معادل جهاد ها و فعالیت های بیرون از منزل مردان دانستند و امروزه گفته می شود که کار زنان در منزل، عموماً یک سوم اقتصاد ملی جامعه را تشکیل می دهد.

اما اساساً مفهوم اشتغال در بینش توحیدی با آنچه در فرهنگ غربی از اشتغال فهمیده می شود متفاوت است. در فرهنگ غربی کار زن در داخل خانه، اشتغال او محسوب نمی شود زیرا اساساً این نوع کار، بهره وری اقتصادی با خود به همراه ندارد. البته طبیعی است در نظام فرهنگ غرب مصرف گرا، خانواده و خانه، محلی برای تولید نیست. بلکه تنها مصرف کننده ی صرف است. اما آن چه فطرت انسانی که از نظام توحیدی طبیعت گسسته نشده است اقتضای آن را دارد، تولید و مصرف توأمان با هم است. در مناطق روستایی می بینیم که درآمد آن ها زیاد نیست اما زندگی

4 عباس عبداللهی، میثاق مهر و ماه، ص ۱۴۲ 4

آن‌ها به خوبی می‌گذرد زیرا زنان همیشه در چرخه‌ی تولید و ترمیم فعال بودند. مصرف کالاهای بیرون‌خانه آنقدر زیاد نبود که به پول زیاد، نیازی باشد.

به صورت کلی اشتغال زن در خانه، حائز چندین شاخصه اقتصاد مقاومتی است. این در حالی است که اشتغال زن در خانه، بالکل مورد غفلت غربیان و غریزدگان قرار گرفته است.

یکی از این شاخصه‌ها، مردمی بودن آن است. یعنی از دل گفت‌مان عمومی جامعه بر می‌آید و می‌تواند همه‌ی عزم عمومی مردم را به خود مشغول دارد. به این معنا اگر افراد خانواده‌ای برای تغییر سبک زندگی‌شان، با همدیگر همکاری نکنند و ارزش‌کنش‌های اقتصادی زنان را فهم نکنند، هرگز فرهنگ اقتصاد مقاومتی درون جامعه نهادینه نمی‌شود. در واقع برای اینکه اقتصاد مردمی بشود، باید خانواده را جدی بگیریم.

یکی دیگر از این شاخصه‌ها درون‌زا بودن آن است. با مشارکت زنان در اقتصاد پایه‌ی کشور، توسط نهاد خانواده، بسیاری از کالاها درون خانه تولید می‌شود و خانواده از خارج از خود، تا حد زیادی بی‌نیاز می‌شود. مثلاً آشپزی که یک امر ساده و پیش‌پا افتاده و از وظایف عرفی و اخلاقی بانوان محسوب می‌شود، خانواده را از خریدن غذای آماده بی‌نیاز می‌کند. برخی زنان حتی به تولید مواد اولیه غذایی در خانه مبادرت می‌ورزند. مثل کاشتن سبزی در باغچه، پختن نان، پرورش چند مرغ خانگی و ...

این نوع فعالیت‌ها علاوه بر اینکه ارزش افزوده تولید می‌کند، یک پیامد مثبت و مهم به همراه دارد و آن سلامت است. از دو حیث سلامت افراد خانواده و نیز سلامت محیط زیست. سلامت افراد خانواده در درازمدت به کم‌شدن هزینه‌های درمان و بیماری‌ها در جامعه و کشور کمک می‌کند و سلامت اعضای خانواده، سلامت نیروی کار مولد را برای کشور تضمین می‌کند. سلامت محیط زیست نیز که با حفظ طبیعت، زمین، آب و هوا، مواد اولیه اتفاق می‌افتد، به توسعه و رشد پایدار کمک می‌کند. برای تبیین این مساله به دو مثال اشاره می‌کنیم: زنی که در خانه، نان مورد نیاز افراد خانواده را طبخ می‌کند، علاوه بر اینکه از سلامت آن نان به واسطه کنترل شرایط محیطی و مواد اولیه اطمینان حاصل می‌کند، مانع از بیرون رفتن فردی از منزل برای تهیه نان می‌شود که علاوه بر پس‌انداز هزینه‌ی طبخ توسط خانواده، احیاناً به کمتر شدن آلودگی هوا به خاطر روشن نکردن وسیله‌ی نقلیه برای خرید نان می‌شود. مثال دوم: زنی که در گوشه حیاط یا زیرزمین منزل، مرغ و خروس پرورش می‌دهد، علاوه بر پس‌انداز هزینه‌ی خریدن

گوشت مصرفی خانواده و استفاده از محصولات روزانه ی حیوان خانگی مثل تخم مرغ، به کمتر شدن پسماندهای غذایی خانه کمک می کند و این یعنی تولید زباله کمتر و سلامت بیشتر محیط زیست. اینگونه شیوه زندگی که بر اساس سه گانه «اعتماد به نفس ملی»، «روحیه جهادی» و «پرهیز از لقمه حرام» طراحی شده است، کارآمد می شود. زیرا وجود روحیه جهادی در سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است.

همسر حضرت امام، بانو خدیجه ثقفی، در این رابطه می فرماید: «از آن جایی که در خیاطی مهارت داشتم خیاطی تمام جهیزیه بچه ها را خودم به تنهایی انجام می دادم. حتی پرده ها و لباس های ضخیم را. ... خلاصه آن که هر سه دختر را با کمال اقتصاد و خوش سلیقگی که باید گفت، خوب و سبک، جهیزیه دادیم.»^{۴۵}

یکی دیگر از شاخصه های اقتصاد مقاومتی، توسعه و تنوع فعالیت های اقتصادی است. طبیعتاً زنان از قدرت بالایی در اداره ی انواع متفاوت فعالیت ها برخوردارند. هر خانم در منزل لیست متنوعی از وظایف دارد. بعضی از زنان در کنار فعالیت های معمول خود در منزل به یک فعالیت درآمدزای دیگر مثل خیاطی، بافتنی یا کمک دادن در رتق و فتق امور اقتصادی همسر در خارج از منزل مشغولند. از این رو زنان نقش جدی و پررنگی در استفاده از هر فرصتی برای تولید و بهره وری هرچه بیشتر ایفا می کنند. در واقع شاید بتوان گفت کوچکترین واحدهای اقتصادی و تولیدی خانواده ها هستند که به مردمی شدن هرچه بیشتر اقتصاد می انجامد و صد البته صرفه اقتصادی هم دارد چون کاملاً در راستای نیاز تولید می شود.

همچنین اشتغال زنان در خانه، موجب می شود آن ها راحت تر به وظایف مختص به خودشان مثل فرزند آوری و تربیت فرزند بپردازند. اصل افزایش جمعیت که تسهیل آن در گرو توجه بیشتر به دغدغه ها و نیازهای زنان است، امری است که موجب تولید نیروی کار فعال و عامل رشد اقتصادی و پیشرفت کشورهاست که چندین سال است، جزو مطالبات مهم رهبر معظم انقلاب، امام خامنه ای قرار گرفته است.

علی ثقفی، بانوی انقلاب، ص ۴۲

اما در بحث نظام وظایف زن، آن چه از بیانات رهبر معظم انقلاب دریافت می شود این است علاوه بر این دو بخش مهم همراهی زنان با همسرانشان در خانواده و رسیدگی به امور خانواده، یک بخش دیگر هم جزو مطالبات ایشان هست که مستلزم اشتغالات بیرون از خانه است. گرچه از نظر ایشان مساله ی اشتغال زنان جزء مسائل اصلی نیست: مساله ی اشتغال بانوان جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم. بنده خودم نه با اشتغالشان و نه با مدیریت هاشان مخالفتی ندارم مادامی که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند. اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدم است.^{۴۶}

بخش عمده ای از مطالبات امام خامنه ای از زنان، که مستلزم اشتغالات بیرون از خانه است و ایشان آن را مشروط به عدم تعارض با وظایف اصلی در خانواده کرده اند، مسئولیت های زنان در برابر زنان است. مثل فعالیت زنان در راستای تعلیم و تربیت زنان، فعالیت زنان در عرصه ی پزشکی و پرستاری برای ایجاد خودکفایی در این عرصه، فعالیت حوزه های علمیه خواهران برای حل برخی مسائل فقهی زنان، فعالیت زنان منتخب در مجلس جهت اصلاح قانون و قانونگذاری در راستای رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه های مناسب برای زنان کشورمان با کمک گرفتن از احکام اسلامی و نظرات قرآنی و نیز فعالیت و کار فرهنگی زنان برای اصلاح فرهنگ عمومی جامعه. در این مورد اخیر امام خامنه ای مسئولیت زنان را مستقیماً متوجه آحاد جامعه اسلامی دانسته اند و این مساله حاکی از توجه وافر ایشان به تاثیر زن در جامعه دارد.

در خاتمه با توجه به این نکته که جنسیت زن و مرد، ابزاری در جهت انجام مسئولیت ها و وظایفی است که بر عهده هر کدام است، دوباره می گوئیم که بعضی از وظایف هستند که هیچ ربطی به زن بودن یا مرد بودن ندارد و ناظر به انسانیت انسان است. و در نهایت آن چه که مهم است و شاخص ارزش گذاری است، میزان قرب الی الله است که آن هم زن و مرد ندارد.